

قازدهای شبکه ۲

مجموعه برنامه ویژه نوجوانان از شبکه دو

گروه کودک و نوجوان شبکه دو از ابتدای سال جدید زمان مشخصی را برای پخش برنامه‌های ویژه نوجوانان در نظر گرفته است. این گروه کل برنامه‌های خود را از آغاز سال جدید در سه پخش کودک، خردسال و نوجوان ارائه می‌کند. پخش نوجوان شامل برنامه‌های متنوعی است، از جمله می‌توان برنامه‌های بابالنگ دراز، جنگ ادبی کودک و نوجوان، طراحی و نقاشی، دن کیشوت و ... را نام برد. مجموعه انیمیشن بابالنگ دراز مجدداً از شبکه دو پخش می‌شود.

مجموعه خارجی طراحی و نقاشی، مجموعه‌ای است که روشهای مختلف طراحی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد.

راهی به سوی فردا: مجموعه راهی به سوی فردا اختصاص به معرفی مشاغل و نحوه راهیابی جوانان به مشاغل مختلف دارد.

دن کیشوت: مجموعه انیمیشن دن کیشوت به مبنای داستانی از سروانتس.

داستان هندی: مجموعه ۲۶ قسمتی داستان هندی اختصاص به معرفی هنرهای مختلف ایرانی چون مسگری، منبت و خاتم‌کاری و ... دارد. قالب این مجموعه مستند است.

آلن لیون: مجموعه انیمیشن با مضمون پلیسی و هیجان‌انگیز در ۲۶ قسمت.

تاریخ ری از شبکه دو

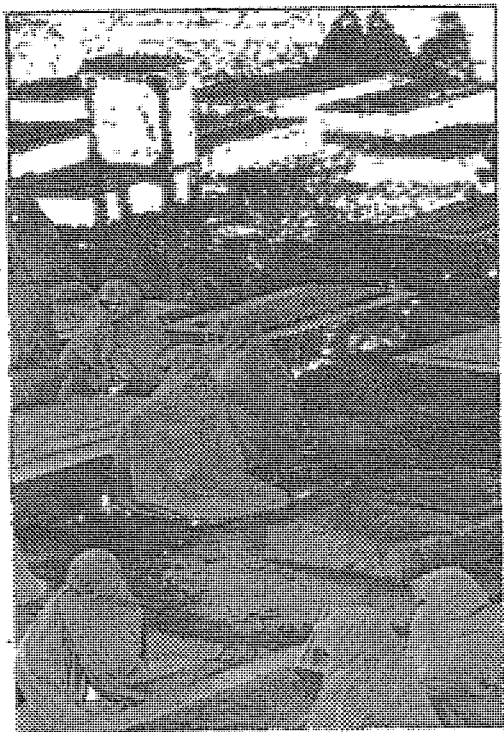
مجموعه برنامه تاریخ ری با توجه به قابلیت‌های منطقه ری از گذشته‌های بسیار دور تا اکنون تاریخ و منابع مختلفی را که در این منطقه رخ داده به تصویر می‌کشد. معماری، جنبه‌های تاریخی، وقایع باستانی و تاریخچه فرهنگی ری و مسایل طبیعی و تغییرات این منطقه مضمونهای اصلی این مجموعه مستند است. تاریخ ری در گروه ادب و هنر شبکه دو سیما تهیه شده و تهیه‌کننده آن اسماعیل شریف‌پور است، این مجموعه از اواخر فروردین ماه پخش می‌شود.

جنگ ادبی کودک و نوجوان

برنامه نمایشی «جنگ ادبی کودک و نوجوان» در ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای در گروه کودک و نوجوان شبکه دو سیما تهیه شده و از اواخر فروردین ماه امسال پخش می‌شود. این مجموعه با استفاده از قالب نمایشی به مسائل مختلف زبان فارسی، ادبیات فارسی، درستی‌نویسی و درست سخن گفتن، معرفی مشاهیر و اطلاعات دیگری در این زمینه می‌پردازد.

دست اندرکاران این برنامه عبارتند از:

تهیه‌کننده: سهیلا جلالی - نویسنده و کارگردان هنری: محمد رحمانیان - تصویربردار: احمد فرهادی - صدابردار: محسن منوچهری - نورپرداز: اسماعیل زاده - بازیگران: رضا بابک، یوسف تیموری، فریده سپاه‌منصور، پروین امیرسلیمانی و ... - مجری: بهروز بقایی - طراح گریم: بابک شعاعی - تدارکات: ایوب سلیمی - طراح صحنه: مریم حاج سعید - طراح لباس: فرزانه نیکوکاری ۵.



کودکان سرزمین ایران از شبکه دو

مجموعه مستند داستانی کودکان سرزمین ایران در ۲۶ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای از شبکه دو سیما پخش می‌شود. این مجموعه که تهیه‌کننده‌اش محمدرضا سرهنگی است به همت کارگردانان متفاوتی چون فرهاد مهرانفر، ناصر تقوایی، محمدرضا کلانتری، کامبوزیا پرتوی و چندین نفر از مستندسازان دیگر در گروه کودک و نوجوان شبکه دو تولید شده است. مجموعه کودکان سرزمین ایران با دیدی متفاوت در قالب مستند داستانی به نحوه زندگی معیشت و آداب و رسوم مربوط به زندگی نوجوانان در نقاط مختلف ایران می‌پردازد. کودکان سرزمین ایران در بخش ویژه نوجوان شبکه دو سیما از نیمه سوم فروردین پخش می‌شود.

از خواستگاری تا ازدواج

مجموعه ۲۶ قسمتی از خواستگاری تا ازدواج که در گروه فرهنگی و اجتماعی شبکه دو سیما تولید می‌شود در نیمه راه تولید قرار دارد. این مجموعه که در دو بخش نمایشی طنز و کارشناسی طراحی شده با بهره‌گیری از نظر کارشناسان و تکیه بر نمایشهای مربوط به محتوای این مجموعه به مشکلات جوانان در راه ازدواج و تحلیل این مشکلات می‌پردازد.

دست اندرکاران این مجموعه عبارتند از:

محقق: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما قم - کارشناس: خانم دکتر دستجردی، آقای دکتر حاج بابایی، ناظر کیفی: شریفی‌نیا - کارگردان تلویزیونی: ناهید محمدیان - کارگردان هنری: فرزاد اژدری، نادر سلیمانی، داود اسدی - تصویربردار: مرتضی تدرلو، مرتضی عبدالصمد، رحیم دلداده - صدا: محسن منوچهری، شعبان نصیری - نور: احمد نصیری‌نیا - فنی پاک‌نیا، کریمی، دانشیار - نودال: حسین عترتی - تولید: فرخ اژدری، محمدرضا ارجمند عباسی - گزارشگر و دستیار کارگردان: فرزین اژدری - مونتور: همایون عباسی - مباشر تهیه: قربانی - حمل و نقل: علی احتشامی - تدارکات: رضا زارع، محمد شادکی - برنامه‌ریز: منصور غنی‌جاهد، ندا ایرانی - طراح لباس: رزا میردوردوست - طراح دکور: فرشید موقت - وله کامپیوتری: تیتراژ: فرخ اژدری - عکاس: جمشیدی - گریم: فرید ناموری، سلمان تبار - موسیقی: هومن اژدری، تهیه‌کننده: آفاق بهشتی.

سه‌شنبه‌ها فیلم سینمایی شبکه دو

از ابتدای سال ۷۷ و پس از پایان تعطیلات نوروزی پخش فیلم سینمایی شبکه دو سیما به سه‌شنبه هر هفته موکول شد. به این ترتیب پخش برنامه سینما دوبه صورتی که در سال ۷۶ پخش می‌شد متوقف گردید و از هفته آینده به جای این مجموعه سریال خارجی هفتگی شبکه پخش خواهد شد.

میعاد در سپیده‌دم

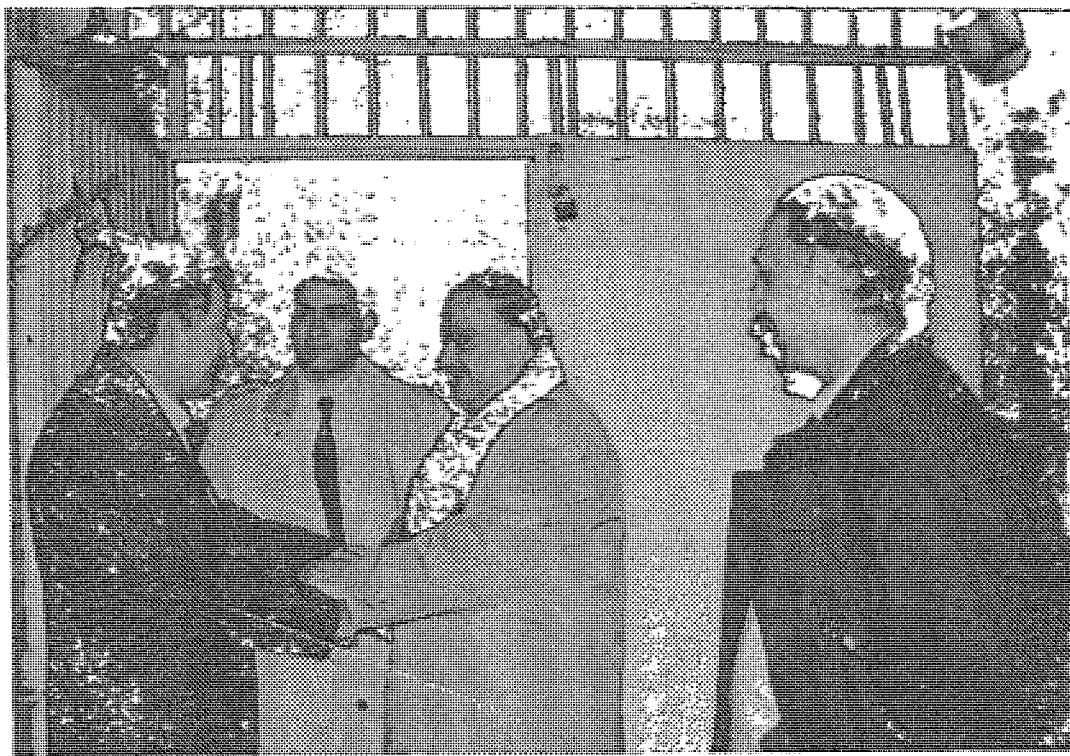
در بحبوحه مبارزات مردمی علیه حکومت فاسد پهلوی، یکی از مأموران اسرائیلی طی مأموریتی خاص برای بدست آوردن اطلاعات مهم و خطرناکی به ایران سفر می‌کند. از طرف دیگر یکی از مبارزین ایرانی نیز می‌خواهد به این اطلاعات دست یابد و در این راستا مبارزه‌ای سخت میان آنها آغاز می‌گردد.

نویسنده و کارگردان: سعید سلطانی - مدیر تصویربرداری: اسفندیار شهیدی - گروه تصویربرداری: ناصر بیگ‌زاده، حسام‌الدین شهیدی و سیدحسن سیدصالحی - منشی صحنه: شرف نیرومند - دستیاران کارگردان: هوشنگ قنوتی و داریوش سهرابی - طراح چهره‌پردازی: مسعود ولدبگی - طراح صحنه و لباس: هادی قمیشی - مدیر تدارکات: اسماعیل صابریانی - مدیر تولید: عزیز علیزاده - مدیر برنامه: مجید میرمیران - تهیه‌کننده و مجری طرح: اسماعیل عقیقه - برنامه‌ریز و دستیاران کارگردان: مسعود فرخنده - بازیگران: علی سرتیپی، محمود عزیزی، جمشید اسماعیل‌خانی، جمشید جهانزاده، گوهر خیراندیش، شهره سلطانی، عباس امیری، انوشیروان ارجمند، عسگر قدس، هادی قمیشی، بابک والی - محصول گروه فیلم، سریال و تئاتر شبکه سوم سیما، ۱۳ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای.

گزارشی از تولید مجموعه تلویزیونی میعاد در سپیده‌دم

□ مهدی محمدی

یکی از آخرین روزهای سرد زمستان، مقابل خانه‌ای بزرگ با ظاهری قدیمی ایستادم. کنجکاو و وسوسه از نزدیک مشاهده کردن پشت صحنه یک مجموعه تلویزیونی مرا به این محل کشانده است. همیشه این سؤال برایم مطرح بود که آیا پشت صحنه‌های سریال‌های تلویزیونی همچون فیلمهای سینمایی جذاب است یا ... و امروز قطعاً پاسخی برای پرسش خود پیدا خواهم کرد. در همین حال و هوا درب خانه باز می‌شود و وارد حیاط می‌شود. همه در حال رفت و آمد و آماده‌سازی صحنه برای تصویربرداری هستند. به سمت اطاق پذیرایی می‌روم و در آنجا با برنامه‌ریز و دستیار اول کارگردان سریال، مسعود فرخنده آشنا می‌شوم، و ترجیح می‌دهم برای شروع با وی گفتگو نمایم. او می‌گوید: «میعاد در سپیده‌دم» کاری از گروه فیلم و سریال شبکه سوم است و بر اساس نوشته‌ای از حمید تمجیدی ساخته می‌شود. فیلمنامه دارای روند قصه‌گویی است و به راحتی می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. امیدواریم مورد توجه بینندگان تلویزیون قرار گیرد. فرخنده سپس مرا با تک‌تک اعضای گروه آشنا می‌کند. حین آماده‌سازی صحنه بعدی از خانم گوهر خیراندیش، یکی از بازیگران این مجموعه درباره نقشش سؤال می‌کنم. وی می‌گوید: من نقش «ریابه» مادر خانواده را بازی می‌کنم. آنچه بینندگان باید مدنظر داشته باشند گزارش گونه‌ای است از



جریانات پیش از انقلاب و چگونگی شکل‌گیری آن دوران. همان‌طور که گفتیم من در این سریال نقش مادر یک خانواده را بازی می‌کنم که فرزندان بنا به دلایلی به فعالیتهای سیاسی کشیده می‌شوند. از خانم خیراندیش درباره ویژگی‌های شخصیت مادر سؤال می‌کنم ایشان می‌گویند: ویژگی این نقش این است که هیچ ارتباطی با سایر افراد خانواده ندارد و به عبارت ساده قرار نیست یک مادر معمولی به مبارزه کشیده شود و بدون آن که جنبه شعاری داشته باشد شاهدیم که به حدی از آن بینش واقعی جریانات سیاسی رسیده که نقش مادر را برای ما باورپذیرتر می‌سازد. یکی از دلایلی که باعث شد این نقش را بپذیریم همین ویژگی خاصی است که به خوبی در کاراکتر مادر پرداخت شده. من این نقش را به دلیل ساده و متفاوت بودنش بپذیرفتم.»

از خانم خیراندیش تشکر می‌کنم و او خود را آماده بازی می‌کند. عوامل گروه تصویربرداری همچنان تلاش می‌کنند تا همه چیز به خوبی انجام گیرد. پلان موردنظر گرفته می‌شود و از فرصت استفاده می‌کنم و از خانم شهزده سلطانی بازیگر جوان تئاتر و سینما دعوت به گفتگویی می‌کنم. ایشان علیرغم خستگی می‌پذیرند. طبق معمول می‌خواهم خودشان را معرفی کنند و از نقششان بگویند. خانم سلطانی می‌گویند: دانشجوی سال آخر رشته موسیقی هستم و در این سریال نقش فاطمه دختر خانواده را بازی می‌کنم. برداشت من از کاراکتری که نقش آن را ایفاء می‌کنم این است که او آدمی بسیار درونی به نظر می‌رسد. حتی حاضر نیست عقایدش را برای دیگران مطرح کند و به نوعی ترک شده از سوی همسرش. با توجه به زندگی خصوصی که دارد و همچنین سنت‌های خانواده‌اش وارد مبارزه سیاسی شده و روحیه خوبی برای شناخت بهتر این شخصیت تحقیق و گفتگوهای بسیاری انجام دادم و امیدوارم بتوانم به خوبی آن را ارائه نمایم.

از خانم سلطانی درباره تئاتر سؤال می‌کنم و اینکه وضعیت فعلی آن چگونه است. ایشان می‌گویند: تئاتر ما همیشه از نظر امکانات و مسایل، دیگر به خوبی حمایت نمی‌شود و البته این موضوع تنها گفته من نیست بلکه اعتقاد کلیه کسانی است که در حال حاضر کار تئاتر میکنند. خوشبختانه اکنون و طی این یکسال شرایط بهتر شده اما هنوز به آن حد که همه راضی باشند نرسیده است. گفتگو را برای ضبط نمایی قطع می‌کنم و اتاق پذیرایی را ترک کرده و وارد حیاط می‌شوم. اعضای گروه تولید و مسایل را به حیاط انتقال داده و آماده ضبط می‌شوند. در این صحنه آقای دکتر محمود عزیزی به همراه دو تن دیگر از بازیگران حضور دارند. با صدای فرخنده همه ساکت می‌شوند: ضبط می‌شود! یک، دو، سه. دوربین رفت!

صدای زنگ در به گوش می‌رسد. رحیم (عزیزی): کیه. کیه (به سمت درب حیاط می‌رود و آن را باز می‌کند) یه سلام، آقا یوسف، صفا آوردید. امیری: خنده‌کنان رحیم را می‌بوسد بیا این هم شازده یوسف.

یوسف: سلام آقا رحیم. یوسف: (با اشاره به داخل خانه): سلام عمه. (و وارد می‌شود) پس از ضبط این نما فرصتی بدست می‌آید تا با دکتر محمود عزیزی، هنرمند برجسته گپی بزنم.

«ابتدا باید درباره ساختار فیلمنامه و اینکه از اصول و قواعد به خوبی بهره برده است بگویم. چفت و بست‌ها نزدیک به هم بوده و نیاز اصلی فیلمنامه را پر کرده است.» این نخستین جمله‌ای است که دکتر عزیزی می‌گوید، آن هم در شرایطی که همه مشکل بزرگ تلویزیون و سینما را ناشی از ضعف فیلمنامه‌ها می‌دانند! دکتر عزیزی نقش رحیم، پدر خانواده را ایفاء می‌کند. در این باره از او سؤال می‌کنم، وی می‌گوید: رحیم شخصیتی است که مجموعه حوادث داستان پیرامون خانواده او رخ می‌دهد. قصه ارتباط خوبی

با مخاطب برقرار می‌کند. هنگامی که سناریو را می‌خواندم به افت و خیزهای شخصیت پی بردم و اینکه او با مشکلات بسیاری روبرو است. و جالبتر این که طرز فکرش با فرزندانش همسو است. فرزندانی که برخلاف او دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. واقعیت زمان گذشته نمی‌تواند حس و حال گذشته را دارا باشد ولی می‌تواند خاطرات شیرین را داشته باشد این سریال توان بیان واقعیت به مخاطب را دارد. گروه، گروه حرفه‌ای است، زیرا اکیپ خوبی در کار مشغولند. خانم خیراندیش و آقای اسماعیل خانی با داشتن سوابق زیاد در تئاتر و سینما کمک زیادی کرده‌اند. البته اکنون ارزیابی نمی‌توان کرد، زیرا در حال حاضر فقط می‌شود زندگی کرد.

از دکتر عزیزی درباره کار در سینما سؤال می‌کنم. او می‌گوید: کار سینما به علت مشکلاتی که دارد نمی‌تواند نیازهای من را نه از نظر مادی، ساختارهای فیلمنامه‌ای یا مصائبی از این قبیل) برطرف سازد. البته برای من همیشه متن و گروهی که با آنها کار کنم مهم است. این مجموعه اولین کاری است که در آن با آقای سلطانی همکاری می‌کنم و ایشان روش و منش یک راهبر فهمیده را دارند. کارهای من همه دارای ویژه‌گی‌های خاصی بوده‌اند. مانند لیلی بامن است، و یا زیر چتر خورشید که همه شخصیت‌های با نشانه‌های رفتاری خاص بودند. وقت صرف شام شده است، به همین دلیل از دکتر عزیزی تشکر می‌کنم و سراغ کارگردان را می‌گیریم.

سعید سلطانی آرام در گوشه‌ای نشسته و ظاهراً به فکر صحنه‌های بعدی است. برخلاف کار و کوشش قراوان نشانی از خستگی در چهره‌اش نمی‌توان یافت. می‌گوید: قصه سریال در مورد انقلاب و حوادثی است که در آن زمان اتفاق افتاده، در حقیقت منظری است که تا به حال به آن پرداخت نشده است و شامل سه محور است: ۱- سفارت غیررسمی اسرائیل در ایران که با اوج گرفتن انقلاب سعی در حفظ رژیم شاه دارند ۲- خانواده رحیم که درگیر ماجرا می‌شوند ۳- حامد یکی از شخصیت‌های سریال است که خود بخشی جداگانه و البته مرتبط با دو بخش ذکر شده دارد. از سلطانی

درباره مشکلات ساخت چنین آثاری با توجه به فضای خاص دوران پیش از انقلاب پرسیدم. او گفت: ساخت این مجموعه را به دلیل جذابیت‌هایش بپذیرفتم. ما همیشه در این مواقع دچار مشکل شده‌ایم. خیابان‌ها و بسیاری از فضاهای موردنظر تغییر کرده‌اند و با آن دوره تفاوت دارند، به همین دلیل می‌بایست در لوکیشن‌های داخلی کار کرد و این مسئله باعث محدودیت در کار می‌شود.

سعی کردم در انتخاب عوامل دقت نمایم و تواناترین آنها را برگزینم. حضور آقای شهیدی به عنوان تصویربردار و دکتر عزیزی باعث شد تا از تجربیات بسیار مفید آنها نهایت استفاده را بنمایم. پس از صرف شام گروه خود را آماده می‌کند تا آخرین نماهای از قبل برنامه‌ریزی شده را ضبط نمایند. در این صحنه خانم خیراندیش و سلطانی شرکت دارند. محل فیلمبرداری کوچک است. این بار نیز با صدای حرکت فرخنده تصویربرداری آغاز می‌شود. درب حیاط باز می‌شود و فاطمه (سلطانی) به عجله از خانه خارج می‌شود و به دنبال او ربابه (خیراندیش).

ربابه: یزار تا سرکچه همراهت بیام.

فاطمه: نمی‌خواه مادر برو تو. خودم می‌رم

ربابه: یزار پیام مادر.

فاطمه: مادر چون خواهش می‌کنم برین تو، نگران نباشین. فاطمه سپس با عجله تا میانه کوچه رفته، مکشی می‌کند، سپس پیش می‌رود تا دیگر دیده نمی‌شود. با تصویربرداری این نما کار تعطیل می‌شود و ادامه آن به روزهای دیگر موکول می‌شود. یک روز تلاش و کوشش به پایان می‌رسد و برای من خاطرات بسیاری را به یادگار می‌گذارد. پاسخ سؤال خود را نیز یافتیم. جذابیت در هر جا که گروهی بازیگر و دوربین فیلمبرداری یا تصویربرداری باشد فرق نمی‌کند وجود دارد. باید دید و آن را از نزدیک لمس کرد. ۵